

Development Followed by Migration; Examining Social and Cultural Challenges and Policies

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

authors

Yousef Sedighi¹
Mohammad Soltani Far^{2*}
Shahnaz Hashemi³

How to cite this article

Yousef Sedighi, Mohammad Soltani Far, Shahnaz Hashemi, Development Followed by Migration; Examining Social and Cultural Challenges and Policies, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2023:7: 401-408.

ABSTRACT

This article tries to analyze the social and cultural opportunities that immigration provides for developing countries with a descriptive analytical method. Therefore, the main purpose of this article is to know the opportunities that immigration provides for developing countries. Often, the benefits of immigrating to sending countries are often underestimated. But from one point of view, it can be analyzed as follows: immigrants can strengthen trade, remittances, innovations and investments in the homeland and even return to the homeland with better human capital at some point. An active diaspora can lead to factors of sustainable development, while immigration policies in receiving developed countries can increase the positive impact of immigration for development. In this study, these measures include those that support the initial integration of immigrants into the education system and the labor market, including job creation for asylum seekers. Dual citizenship agreements and circular migration are also possible instruments.

1. PhD student, Department of Social Communication Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Associate Professor, Department of Communication Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
3. Member of the Academic Board of Education Research Institute, Educational Research and Planning Organization, Tehran, Iran.

Keywords: Immigration, Development, Social and Cultural Policies, Education System, Sustainable Development and Investment.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: msoltanifar@yahoo.com

Article History

Received: 2023/05/24

Accepted: 2023/08/05

توسعه به دنبال مهاجرت؛ بررسی چالش‌ها و

سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی

یوسف صدیقی

دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمد سلطانی فر*

دانشیار، گروه علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

شهناز هاشمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران.

چکیده

این مقاله سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی را که مهاجرت برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند بررسی کند. بنابراین هدف اصلی این نوشتار شناخت فرصت‌هایی است که مهاجرت برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. اغلب، مزایای مهاجرت به کشورهای اعزام‌کننده اغلب دست کم گرفته می‌شود. اما از یک منظر می‌توان این گونه تحلیل کرد که: مهاجران می‌توانند تجارت، حواله‌ها، نوآوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را در وطن تقویت کنند و حتی در مقطعی با سرمایه انسانی بهتر به وطن بازگردند. دیاسپورای فعال می‌تواند به عوامل توسعه‌ی پایدار منجر شود، در حالی که سیاست‌های مهاجرتی در کشورهای توسعه‌یافته پذیرنده می‌تواند تأثیر مثبت مهاجرت برای توسعه را افزایش دهد. در این پژوهش، این اقدامات شامل اقداماتی است که از ادغام اولیه مهاجران در سیستم‌های آموزشی و بازار کار، از جمله ایجاد شغل برای پناهجویان، حمایت می‌کند. قراردادهای تابعیت دوگانه و مهاجرت دایره‌ای نیز ابزارهای ممکن هستند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، توسعه، سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی، سیستم آموزشی، توسعه پایدار و سرمایه‌گذاری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

*نویسنده مسئول: msoltanifar@yahoo.com

مقدمه

در دنیای امروز یک رویکرد مورد بحث برای تعامل بین مهاجرت و توسعه این است که مهاجرت می‌تواند باعث تحرک توسعه شود. بخش بزرگی از ادبیات مهاجرت به تأثیرات مهاجرت بر کشورهای توسعه‌یافته پذیرنده می‌پردازد. تجزیه و تحلیل فرصت‌هایی که مهاجرت برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند نشان می‌دهد که مکانیسم‌های زیادی وجود دارد که در آنها مهاجرت برای تقویت توسعه در کشورهای فرستنده مفید است (۱). مهاجران می‌توانند تجارت، وجوه ارسالی، نوآوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها را به وطن تحریک کنند و اغلب حتی در مقطعی با تجربه مجهز به وطن بازمی‌گردند. دیاسپوراهای فعال می‌توانند به عوامل پایدار توسعه منجر شوند، در حالی که آنهایی که در بازار کار عقب مانده اند از کمبود روزافزون نیروی کار سود می‌برند (۲).

سیاست‌های معطوف به مهاجران در کشورهای توسعه‌یافته پذیرنده می‌تواند تأثیر مثبت مهاجرت بر توسعه را افزایش دهد (۳). بخش بزرگی از مهاجران، چه از طریق کانال کاری و چه به عنوان پناهجو، مهاجران فردا هستند. آنها که به عنوان کارگر تحصیل کرده و با تجربه هستند، دارای سرمایه توسعه هستند. در میان آن سیاست‌های توسعه غیرمستقیم که بر مهاجران تأثیر می‌گذارد «مهاجران آینده» اقداماتی است که از ادغام اولیه مهاجران در سیستم‌های آموزشی و بازارهای کار، از جمله مشاغل برای پناهجویان، حمایت می‌کند. تابعیت دوگانه و قراردادهای مهاجرت دایره‌ای از دیگر ابزارهای ممکن است. از این رو سیاست مهاجرت می‌تواند یک سیاست توسعه موثر باشد (۴) لذا در این مقاله با روش تحلیلی توصیفی در پی پاسخ به دو سوال، (۱) کشورهای در حال توسعه چگونه می‌توانند از مهاجرت سود ببرند؟ و (۲) پتانسیل‌های سیاست‌های مهاجرتی در راستای توسعه چه می‌باشند؟ فرصت‌هایی را که مهاجرت ممکن است برای کشورهای در حال توسعه داشته باشد توضیح می‌دهد، همچنین سیاست‌هایی را در کشورهای پذیرنده و معمولاً توسعه‌یافته مورد بحث قرار می‌دهد که می‌توانند تأثیر مثبت مهاجرت بر توسعه را افزایش دهند.

سوالاتی که مطرح می‌شود این است که: کشورهای در حال توسعه چگونه می‌توانند از مهاجرت سود ببرند؟ در طول دهه‌ها، نگرانی مورد بحث این بوده است که مهاجرت منجر به «فرار مغزها» شود که باعث می‌شود کشور فرستنده از سرمایه انسانی ماهر خود تهی شود و در وضعیت بدتری قرار گیرد (۵). به نظر می‌رسد این امر شهودی باشد، اگر آنچه اغلب مشاهده می‌شود، مهاجران از نظر نیروی انسانی کشور مبدأ بسیار ماهر یا حداقل نسبتاً بسیار ماهر باشند. با این حال، اصطلاح فرار مغزها اغلب به طور گسترده‌تری برای توصیف جریان منابع انسانی ایجاد شده توسط پرورش و آموزش افراد، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، استفاده می‌شود (۶). با این حال، اخیراً، بینش‌های بیشتر و بیشتری نشان می‌دهد که مهاجرت ممکن است به منافع در کشورهای پذیرنده منجر شود (۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱) ش نمی‌دهد یا مشاغل بومی را از بین نمی‌برد (۱۲، ۱۳).

این مزایا به واکنش‌های بازار کار، وجوه ارسالی و نقل و انتقالات اجتماعی، تأثیرات بر تجارت، سرمایه‌گذاری و انتقال سرمایه

یا غیر نقدی ارائه می شود. مهاجران اغلب بخش قابل توجهی از درآمد خود را به طور کلی در مقادیر کم واریز می کنند، این تعجب آور نیست، زیرا مهاجران معمولاً با حمایت مالی خانواده ها یا جوامع به خارج از کشور فرستاده می شوند (۱۷). برای بسیاری از کشورها، وجوه ارسالی بسیار زیاد است و گاهی حتی از کمک های خارجی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی نیز فراتر می رود. برای مثال، به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی، پنج دریافت کننده حواله در سال ۲۰۲۱ اقتصادهای کوچکتر بودند: تونگا، لبنان، جمهوری قرقیزستان، تاجیکستان و هندوراس. ایالات متحده مهم ترین کشور مبدأ وجوه در سال ۲۰۲۰ بوده و پس از آن امارات متحده عربی، عربستان سعودی و سوئیس قرار دارند.

انگیزه های وجوه ارسالی شامل بازپرداخت هزینه های مهاجرت، نوع دوستی برای خانواده های بازمانده، هموارسازی درآمد در خانواده ها و پس انداز برای فعالیت های کارآفرینی آینده است. به عنوان مثال، آکای و همکاران ۳ در تحقیقات خود در مورد مهاجرت از روستا به شهر در چین شواهدی یافتند که انگیزه های نوع دوستانه و قراردادی بین مهاجران و خانواده های آنها در وطن وجود دارد. این خانواده ها با مقایسه وجوه دریافتی خود با وجوه دریافتی توسط گروه مرجع خود به رفاه می رسند.

شواهد تجربی نشان می دهد که وجوه ارسالی فقر را کاهش می دهد، مصرف داخلی کشور را تحریک می کند، سرمایه گذاری های محلی را در شرکت های کوچک یا تازه تأسیس تقویت می کند، با کاهش ترک تحصیل زود هنگام، پیشرفت تحصیلی را بهبود می بخشد. به احتمال زیاد، محدودیت های نقدینگی را کاهش می دهد و ممکن است سرمایه گذاری در سیستم سلامت را تقویت کند. آنها همچنین پتانسیل تثبیت نوسانات اقتصادی در کشور خود را از طریق حرکت های متناقض چرخه ای در میزان وجه ارسالی در پاسخ به شوک های اقتصادی دارند. نمونه ای از این موضوع این است که نرخ های واقعی ارز و وجه ارسالی ها همبستگی منفی دارند.

پس از بازگشت مهاجران به وطن، وجوه ارسالی الهام بخش فعالیت های کارآفرینی هستند. جولیتی ۴ و همکاران نشان می دهند که مهاجرت بازگشتی همچنین باعث ارتقای خوداشتغالی در میان اعضای خانواده ای که مهاجرت نکرده اند، می شود. با این حال، در طول غیبت مهاجر، در مقایسه با کسانی که در خانواده های غیرمهاجر زندگی می کنند، اعضای خانواده به جا مانده کمتر احتمال دارد که خوداشتغال شوند. وجوه ارسالی تا حدودی، اما نه به طور کامل، تأثیر منفی را بر اعضای خانواده به جا مانده، جبران می کند، که ممکن است به دلیل غیبت مهاجر با از دست دادن نیروی کار و مهارت های کارآفرینی مواجه شوند (۱۸).

رشته جدید رو به رشد ادبیات به اهمیت وجوه ارسالی از بعد اجتماعی می پردازد که عبارتند از انتقال هنجارها و ارزش ها به وطن در طول مهاجرت، یا همراه با مهاجرت یا بازگشت و پس از آن، و اثرات آن بر سرمایه اجتماعی. به عنوان مثال، مطالعه

انسانی، نوآوری ها و بازگشت و مهاجرت دایره ای مرتبط است. این مزایای بالقوه با وجود دیاسپوراها، که می توان آن ها را به عنوان جوامع قومی فداکار مهاجر تعریف کرد که هنوز از طریق هویت خود به کشورهای مبدأ خود متصل هستند، در تعامل است. دیاسپوراها به طور صریح یا ضمنی روابط بین کشورهای فرستنده و پذیرنده را سازماندهی می کنند و نقش دولت ملی سنتی را تضعیف می کنند (۱۴) در حالی که نمی توان نادیده گرفت که می تواند تأثیرات منفی نیز داشته باشد، این بخش تلاش می کند تأثیر مثبتی را که مهاجرت به خارج از شهروندان می تواند برای کشور فرستنده داشته باشد، چه موقت و چه دائم، برجسته کند.

کارگران مهاجر ممکن است شغل خود را در کشور خود ترک کنند، یا ممکن است بیکار یا قبلاً غیر شاغل بوده باشند. در حالی که عملکرد طبیعی بازارهای کار جهانی، که به عنوان سودمند تلقی می شود، جذب مازاد عرضه جویندگان کار است، اغلب این صاحبان شغل تحصیل کرده هستند که حرکت می کنند و ایده فرار استعدادها را ایجاد می کنند (۱۵). با این وجود، این کار برای کسانی که پشت سر می ماندن باقی می ماند و به طور کلی فشار صعودی روی دستمزدها وجود دارد، زیرا اکنون نیروی کار در مقایسه با سرمایه کمیاب تر است. اگر افراد با مهارت بالا ترک کنند، تئوری خرد استاندارد نشان می دهد که افراد با مهارت بالا که در وطن باقی می مانند از نظر دستمزد و فرصت های شغلی سود می برند، در حالی که افراد با مهارت پایین ممکن است آسیب ببینند زیرا اندازه گروه آنها نسبتاً بزرگ تر می شود. این نتیجه قانون کمیابی نسبی است که اغلب «مکملیت ۱» نامیده می شود، که توسط تئوری استاندارد تولید اقتصادی دلالت دارد. از این رو، کارگران باقی مانده از مهاجرت سود می برند، اگرچه تأثیر واقعی آن به شرایط مشخص بستگی دارد.

در نگاه اول، چشم انداز کشور مادر ممکن است خوب نباشد، اگر کسانی که می روند استعداد نسبتاً بالاتری داشته باشند، که اغلب چنین است. نوآوری و رشد ممکن است مانند وضعیت خلاف واقع توسعه پیدا نکند. با این حال، این استعداد ممکن است در جاهای دیگر بسیار مولدتر باشد، و بعداً تأثیرات مثبتی برای کشور مادر داشته باشد (پراتسیناکس ۲ و همکاران، ۲۰۲۰). اولین عامل مهاجرت بازگشتی است. مهاجران کارگری اغلب مجهز به منابع مالی، سرمایه انسانی و دانش به وطن باز می گردند. به طور معمول، بخش بزرگی از مهاجران کارگری یا مهاجرت می کنند یا در مقطعی به کشور خود باز می گردند، به ویژه اگر تحرک نامحدود باشد. اگر مهاجران به عقب و جلو حرکت کنند، اگر مهاجران دایره ای باشند، کشورهای پذیرنده و ارسال کننده بخشی از مزایای آنها را به اشتراک می گذارند، جابجایی رایگان بر اساس قرارداد کاری بهترین ترتیب ممکن برای تضمین این امر است (۱۶).

به طور معمول، بیشترین سهم دیاسپورا در توسعه کشورهای مبدأ، وجه ارسالی است. خانوارها در کشورهای در حال توسعه درآمدی را از اعضای خانواده مهاجر دریافت می کنند که به صورت نقدی

^۳ Akay

^۴ Giulietti

^۱ complementarity

^۲ Pratsinakis

در نهایت، در این مبحث به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۳ (FDI)، انتقال سرمایه انسانی (دانش، مهارت و فناوری) و نوآوری‌ها از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه می‌پردازد. عدم قطعیت چالش مهمی برای شرکت‌هایی است که مایل به سرمایه‌گذاری و ساخت کارخانه‌های تولیدی به ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند. بنابراین، جوامع موثر دیاسپورا می‌توانند در ارائه اطلاعات لازم برای شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و در ارائه مشاوره در مورد محدودیت‌های

نظارتی بسیار مفید باشند، زیرا آنها پیشینه فرهنگی و زبان‌های لازم را نیز درک می‌کنند. بنابراین برای شرکت‌های چندملیتی معمول است که مهاجران را در نقش‌های اجرایی استخدام کنند. از طریق این مکانیسم‌ها، دیاسپوراها عدم تقارن اطلاعاتی را برای سرمایه‌گذاران خارجی کاهش می‌دهند.

مهاجران با مهارت بالا به ویژه اطلاعات دقیقی در مورد شانس‌ها و خطرات در کشورهای مبدأ خود دارند و بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهند. با این حال، بر این اساس، به نظر می‌رسد مهاجرت با مهارت کم به کشورهای توسعه یافته تا حدی جایگزین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. در کوتاه مدت، ایجاد و توسعه دیاسپورا انگیزه‌ای برای مهاجرت به کشورهای توسعه یافته است. اما در درازمدت، سرمایه‌گذاری‌های موفق احتمالاً اشتغال محلی را در مناطق اعزام‌کننده تقویت می‌کند و بنابراین فشار مهاجرت را کاهش می‌دهد.

اوراق قرضه دیاسپورا یک ابزار بالقوه بسیار مهم برای سیاست‌های توسعه است. اینها توسط ناشران در کشورهای در حال توسعه به منظور جمع‌آوری وجوه (به ویژه کوتاه مدت) از کشورهای دیاسپورا ارائه می‌شود. به این ترتیب کشورهای در حال توسعه از ثروت نسبی مهاجران خود بهره می‌برند. در ازای آن، آنها ممکن است نرخ‌های بهره بالاتری نسبت به نرخ‌های بهره‌ای که جوامع قومی از بانک‌های خود در کشورهای توسعه یافته دریافت می‌کردند، به دیاسپورا ارائه کنند. اوراق قرضه دیاسپورا را می‌توان به ارزش محلی کشورهای مبدأ نیز منتشر کرد، در نتیجه هزینه‌های انتشار کاهش می‌یابد، زیرا احتمالاً دیاسپوراها در مورد خطرات احتمالی نرخ ارز اطلاعات بهتری دارند. تعهد قوی دیاسپوراها به کشورهای مبدأ خود منجر به وفاداری بیشتر حتی در زمان آشفتگی‌های اقتصادی یا سیاسی می‌شود. آنها همچنین راحت‌تر از سرمایه‌گذاران عادی برای حمایت از پروژه‌های توسعه‌ای برای بهبود زیرساخت‌ها، بهداشت و آموزش بسیج می‌شوند. تعدادی از کشورهای در حال توسعه از جمله هند، اسرائیل، بنگلادش، لبنان، پاکستان، سریلانکا، فیلیپین، غنا و اتیوپی قبلاً اوراق قرضه دیاسپورا منتشر کرده‌اند.

یک تجارت واقع در کشور دیگر. علاوه بر پول، سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی دانش، فناوری، مهارت و اشتغال را به همراه دارد.

^۳ Foreign direct investment

نیکولووا^۱ و همکاران با استفاده از داده‌های بلغارستان و رومانی، که در آن نویسندگان ارتباط بین مهاجرت اقوام و دوستان به خارج از کشور و رفتار طرفدار اجتماعی افرادی را که در این دو به جا مانده‌اند، بررسی کردند. کشورهای پسا سوسیالیستی ارتباط نزدیک با خارج از کشور با مشارکت مدنی ارتباط مثبت داشت. قوت فرهنگ مشارکت مدنی کشور مقصد خانواده یا دوست برای رفتار اجتماعی پاسخ‌دهندگان در کشورهای خود اهمیت دارد. این ممکن

است نشان دهد که انتقال فرهنگی هنجارها از خارج از کشور منجر به این یافته‌ها می‌شود. مطالعات دیگر به انتقال هنجارهای مربوط به نقش‌های جنسیتی و باروری پرداخته‌اند.

ادبیات گسترده‌ای از این حدس حمایت می‌کند که مهاجرت و تجارت مکمل هستند و نه جایگزین. همانطور که گنگ^۲، خلاصه می‌کند: "افزایش ۱۰٪ در سهم مهاجران می‌تواند تجارت را به طور متوسط ۱.۵٪ افزایش دهد." محرک از طریق دو کانال رخ می‌دهد: (۱) ترجیحات مهاجران و (۲) هزینه‌های مبادله که هر دو از طریق دیاسپورا عمل می‌کنند. مهاجران تقاضا برای کالاها و محصولات قومیتی را از وطن خود در کشور میزبان ایجاد می‌کنند، با ترجیحاتی که منجر به افزایش صادرات از کشور مبدأ می‌شود. این امر با ایجاد اولویت در میان بومیان کشور پذیرنده تقویت خواهد شد. به عنوان مثال، گسترش رستوران‌های سوشی که توسط کره‌ای‌های قومی در بسیاری از کشورها اداره می‌شود. تنها در صورتی است که دیاسپورا تولید کالاها و خدمات را در کشور میزبان ایجاد کند که ممکن است کانال ترجیحی ضعیف‌تر شود.

دیاسپوراها هزینه‌های مبادلات تجاری را بیشتر کاهش می‌دهند، زیرا مهاجران سرمایه‌دانش زیادی در مورد انواع کالاها موجود، شیوه‌بازار، زبان، فرهنگ و محدودیت‌های قانونی در کشور مبدأ خود دارند. مزیت دیاسپورای درگیر با وجود موانع تجاری غیررسمی افزایش می‌یابد. شبکه‌های قومی ممکن است با ارائه اطلاعات بازار و کاهش هزینه‌های تجاری کمک کنند. در حالی که ترجیحات ممکن است فقط بر صادرات کشورهای در حال توسعه تأثیر بگذارد، هزینه‌های مبادله جریان‌های تجاری را بین هر دو کشور در حال توسعه فرستنده و کشور میزبان توسعه یافته هدایت می‌کند.

همانطور که انتظار می‌رود، اندازه و ماهیت کل اثرات تجاری با انواع کالاها، نوع قومیت‌ها، سطح مهارت مهاجران و اندازه مهاجران مورد نظر متفاوت است و همچنین به سیاست‌های دیاسپورا کشورهای ارسال‌کننده و پذیرنده بستگی دارد. به عنوان مثال، تأثیر تجاری مهاجران با مهارت بالا بیشتر است و این با یافته‌های تجربی کاملاً سازگار است و نشان می‌دهد که مهاجرت تأثیر مثبتی بر تجارت دارد.

^۱ Nikolova

^۲ Genc

^۳ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، که اغلب به اختصار FDI نامیده می‌شود، به عنوان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط یک فرد یا سازمان در یک کشور در

بحث مهاجرت عمومی تا حد زیادی بر جریان ورود مهاجران متمرکز است این امر نادیده می‌گیرد که اکثر مهاجران کارگری موقتی هستند و در مقطعی دوباره کشور را ترک می‌کنند. پناهنجویان و پناهندگان حتی بنا به تعریف، حداقل در اروپا، مهاجران موقت هستند. بخش قابل توجهی از این جریان ورودی زمانی مهاجرت می‌کند که وضعیت خطرناک در کشور مبدأ بهبود یابد یا چشم‌انداز بلندمدت بهتری در کشور دیگری ایجاد شود. به طور معمول، همه کشورهایی که جریان ورودی قابل توجهی دارند، جریان خروجی قابل توجهی نیز نشان می‌دهند در حقیقت دنیا به این نتیجه رسیده است که ارائه آموزش حرفه‌ای، آموزش و

دسترسی اولیه به بازار کار به مهاجران ممکن است هدر دادن منابع باشد. با این حال، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی توسط کشور میزبان باید به عنوان اقدامات توسعه‌ای تلقی شود، زیرا مهاجرانی که با شرایط، مدارک تحصیلی و تجربه حرفه‌ای باز می‌گردند، دارای‌های مورد استقبال کشور خود خواهند بود.

دیاسپوراها همچنین می‌توانند موقعیت اقتصادی کشور پذیرنده را تقویت کنند. بنابراین، باید بتوان دیاسپوراها را در چارچوب سیاست‌های مهاجرت و توسعه با پذیرش جمعیت بومی فعال کرد. برای تقویت موقعیت دیاسپوراها (و سرمایه انسانی مهاجران بازگشت‌کننده به کشورهای در حال توسعه خود می‌آورند)، سیاست‌های هماهنگ بازار کار و مهاجرت باید تبعیض قومی را کاهش داده و دسترسی اولیه به شغل را برای مهاجران افزایش دهد (۲۱)

نمونه‌ای از تبعیض قومیتی در بازار کار استخدام قومیتی است (۲۲). اقتصاد کار سنت دیرینه‌ای در تلاش برای افشای چنین تبعیض‌هایی دارد که بر عملکرد اقتصادی شرکت‌های درگیر و کل کشور تأثیر می‌گذارد. روش‌های رایج اخیر برای اثبات چنین سوگیری‌های شامل مطالعات مکاتبه‌ای و درخواست‌های شغلی ناشناس است. در مطالعات مکاتبه‌ای، درخواست‌های شغلی ساختگی، که تنها در یک عامل تبعیض به طور تصادفی متفاوت است، در پاسخ به فرصت‌های شغلی واقعی برای کارفرمایان ارسال می‌شود. تماس‌های بعدی مغرضانه به عنوان شاخص‌هایی برای تبعیض در نظر گرفته می‌شوند. در رویکرد درخواست‌های شغلی ناشناس، نرخ‌های فراخوان مشاهده شده در فرصت‌های شغلی واقعی با مقایسه متقاضیان ناشناس واقعی و غیرناشناس مورد مطالعه قرار می‌گیرند. نتایج نشان می‌دهد که تبعیض قومی گسترده است. به خوبی شناخته شده است که دسترسی زودهنگام به شغل برای موفقیت مهاجران در بازار کار بسیار مهم است. از این رو، کانال ورود (مربوط به کار در مقایسه با اتحاد خانواده یا وضعیت پناهندگی) مهم است. این نشان می‌دهد که اگر همه کشورهای توسعه‌یافته کانالی واضح برای ورود به کار ایجاد کنند تا به طور شفاف شرایط را برای مسابقه اعلام کنند، دیاسپوراها موقعیت بهتری خواهند داشت. یکی از ابزارهای موفق برای چنین قانونی، یک سیستم مبتنی بر امتیاز است، مانند آنچه در کشورهایی مانند کانادا یا استرالیا ایجاد شده است.

دیاسپوراها همچنین می‌توانند در فرآیند انتقال مهارت‌ها و فناوری از کشورهای توسعه‌یافته پذیرنده به کشورهای در حال توسعه فرستنده مفید باشند. این اشتراک دانش همچنین می‌تواند تحقیق و نوآوری را تقویت کند. «افزایش سهم نوآوری یک شرکت که توسط مخترعان یک قومیت خاص انجام می‌شود، با افزایش سهم فعالیت‌های وابسته آن شرکت در کشورهای مرتبط با آن قومیت همراه است». یک مکانیسم این است که از دانشجویان تحصیل کرده خارج از کشور استفاده شود و یا آنها را تشویق کرد که به کشور مبدأ خود بازگردند یا حداقل شبکه‌های تبادل دانش ("شبکه‌های دانش دیاسپورا")^۱ ایجاد کنند. انتشار دانش برای ایجاد نوآوری در داخل کشور و در نتیجه رشد اقتصادی شناخته شده است (۱۹).

بررسی و واکاوی پتانسیل‌های مهاجرتی این مبحث به این موضوع می‌پردازد که چگونه سیاست‌های مهاجرت در کشورهای پذیرنده می‌تواند توسعه را در کشورهای اعزام‌کننده تقویت کند. سوال این است که سیاست مهاجرت تا چه حد می‌تواند به عنوان سیاست توسعه عمل کند؟ با توجه به موفقیت محدودی که برخی حتی آن را شکست می‌نامند، سیاست‌های توسعه سنتی، شاید ارزش بازناندیشی در اینجا را داشته باشد. مفاهیم استاندارد پشت طراحی سیاست‌های مهاجرت در کشورهای پذیرنده با چگونگی (۱) کمک به مهاجران برای انجام کار، (۲) سودآور کردن آنها برای کشور میزبان، و (۳) تعریف معیارهای ورود و خروج، به ویژه تشویق یا مجبور کردن آنها به نرسیدن یا خروج. در اینجا پیشنهاد می‌شود که یک دسته جدید اضافه شود، یعنی (۵) چگونه مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته برای کشورهای در حال توسعه اعزام‌کننده مفید باشد. این ممکن است شامل برخورد با سه کانال دیگر باشد.

تجزیه و تحلیل در پاسخ به سوال اول نشان داد که دیاسپوراها فعال می‌توانند به شدت توسعه را تقویت کنند. با این حال، توسعه دیاسپورا نیز پیامد سیاست‌های مهاجرت و ادغام است. اگر هدف چنین سیاست‌هایی جذب مهاجران (پذیرش کامل هویت کشور پذیرنده) باشد، واقعیت ممکن است با قومیت‌های جدا از هم مواجه شود (هویت کامل با قومیت کشور مبدأ آنها). در نتیجه، فرد یا اصلاً دیاسپورای فعالی نخواهد داشت (همسان‌سازی) یا دیاسپورایی که به طور بالقوه دشمن کشور میزبان هستند (جدایی) (۲۰) تحت مدل «ادغام»، که در آن مهاجران هم با فرهنگ کشور مبدأ و هم با فرهنگ کشور میزبان شناسایی می‌شوند، یک دیاسپورای توسعه‌یافته یا یکپارچه نیز می‌تواند ارتباط مؤثری را بین کشور مبدأ و کشور پذیرنده سازمان‌دهی کند. در حال حاضر، دیاسپوراها موجود از نزدیک از مدل جدایی‌پروی می‌کنند و از این رو برای اکثریت قومی مشکل‌ساز تلقی می‌شوند. اما سیاست‌های دیاسپورا در کشورهای میزبان با هدف ادغام ممکن است ابزار مفیدی برای حمایت از توسعه باشد.

تجزیه و تحلیل در پاسخ به سوال اول نشان داد که دیاسپوراها فعال می‌توانند به شدت توسعه را تقویت کنند. با این حال، توسعه دیاسپورا نیز پیامد سیاست‌های مهاجرت و ادغام است. اگر هدف چنین سیاست‌هایی جذب مهاجران (پذیرش کامل هویت کشور پذیرنده) باشد، واقعیت ممکن است با قومیت‌های جدا از هم مواجه شود (هویت کامل با قومیت کشور مبدأ آنها). در نتیجه، فرد یا اصلاً دیاسپورای فعالی نخواهد داشت (همسان‌سازی) یا دیاسپورایی که به طور بالقوه دشمن کشور میزبان هستند (جدایی) (۲۰) تحت مدل «ادغام»، که در آن مهاجران هم با فرهنگ کشور مبدأ و هم با فرهنگ کشور میزبان شناسایی می‌شوند، یک دیاسپورای توسعه‌یافته یا یکپارچه نیز می‌تواند ارتباط مؤثری را بین کشور مبدأ و کشور پذیرنده سازمان‌دهی کند. در حال حاضر، دیاسپوراها موجود از نزدیک از مدل جدایی‌پروی می‌کنند و از این رو برای اکثریت قومی مشکل‌ساز تلقی می‌شوند. اما سیاست‌های دیاسپورا در کشورهای میزبان با هدف ادغام ممکن است ابزار مفیدی برای حمایت از توسعه باشد.

^۲ Integration

^۱ Diaspora knowledge networks

تابعت دوگانه همچنین می‌تواند به راحتی یک رژیم جزئی از بازارهای کار منعطف را بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه با تشویق مهاجرت دایره‌ای ایجاد کند. از آنجایی که مهاجران حق کار در هر دو کشور را دارند، بسته به شرایط فردی و اقتصاد کلان می‌توانند تصمیم بگیرند که کدام وضعیت سودآورتر است. مهاجران دایره‌ای از فرصت‌های شغلی و پرداخت بهتر در کشور میزبان استفاده می‌کنند. آنها راهبردهای درآمد، پس‌انداز و دارایی خود را بهینه می‌کنند و دوباره بهینه می‌کنند و این وضعیت اقتصادی، اجتماعی و شخصی آنها را بهبود می‌بخشد. برای کشورهای توسعه یافته، مهاجرت دایره‌ای جذاب است، زیرا ممکن است با تطبیق تقاضای بیش از حد در کشورهای میزبان و تقاضای بیش از حد نیروی کار در کشورهای اعزام‌کننده، به کاهش کمبود بازار کار کمک کند. اما در طول مراحل رکود اقتصادی یا رکود، با افزایش بیکاری در کشورهای توسعه یافته، مهاجران می‌توانند تا زمانی که وضعیت بهبود یابد، به کشورهای مبدأ خود بازگردند. کشورهای مبدأ از وجوه ارسالی مهاجران و انتقال دانش و ایده‌های جدید، حتی اگر موقتاً به کشور بازگردند، سود می‌برند. مهاجرت دایره‌ای تابعیت دوگانه، مورد تقصیلی رژیم مهاجرت دایره‌ای است، زیرا نمی‌توان آن را چندان توسط دولت‌ها تنظیم کرد و نسبت به مهاجرت دایره‌ای بین‌المللی بومیان، که ممکن است در سطح بین‌المللی با محدودیت‌های بالقوه مواجه شوند، انعطاف پذیرتر و بازارگراتر است (۲۳).

مدیریت مهاجرت برای ایجاد دیاسپورا کار دشواری است. محدود کردن مهاجرت نیروی کار لزوماً مهاجرت را متوقف نمی‌کند، به ویژه مهاجرت دایره‌ای، همانطور که آزمایش‌های قبلی (مثلاً ایالات متحده-مکزیک، و آلمان پس از ۱۹۷۳) نشان داده‌اند. نشان داده شده است که جلوگیری از مهاجرت نیروی کار با استفاده از حصارها و محدودیت‌های قانونی، پتانسیل ایجاد تعداد بیشتری از مهاجران را دارد. این ممکن است ناشی از کاهش مهاجرت برگشتی و مهاجرت‌های خانوادگی و اجتماعی باشد که ماهیت این روند را تغییر می‌دهد. به طور کلی، اهمیت و تأثیر مهاجرت از کشور میزبان در بحث‌های عمومی نادرست درک شده و دست کم گرفته می‌شود.

سیستم‌های مبتنی بر نقطه به عنوان مکانیزم‌های ورود، شفافیت را هم برای مهاجران و هم برای جمعیت کشور میزبان فراهم می‌کنند و نشان داده شده‌اند که در غربالگری و هدایت تحرک موثر هستند. معیارهای چنین سیستم‌های مبتنی بر امتیاز می‌تواند شامل شاخص‌های ادغام، مانند تحصیلات، ویژگی‌های شغلی، مهارت زبان و فعالیت‌های اجتماعی باشد. یک رویکرد بحث‌برانگیزتر، اما همچنین موثرتر، استفاده از بازار کار به عنوان مکانیزم فیلتر برای پذیرش در یک کشور است (۲۴). یک قرارداد کاری امکان ورود به کشور را فراهم می‌کند و مهاجر ممکن است تا زمانی که رابطه کاری ادامه دارد در آنجا بماند. کسانی که نمی‌توانند اجازه اقامت دائم دریافت کنند و شغل خود را از دست می‌دهند باید پس از یک دوره انتقال کشور را ترک کنند. کسانی که به طور غیرقانونی بیش از حد اقامت می‌کنند ممکن است در زمان دیگری حق بازگشت خود را از دست بدهند. قراردادهای مهاجرت دایره‌ای بین کشورها

پناهجویان و پناهندگان کندتر از کارگران مهاجر ادغام می‌شوند. آنها در یافتن شغل یا خوداشتغالی مشکل دارند و همچنین دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، اما این تا حد زیادی نتیجه قانونگذاری و تنظیم جریان ورودی است. برای مدت طولانی، پناهجویان (کسانی که درخواست پناهندگی داده‌اند) در اروپا به سادگی اجازه کار نداشتند. اکنون در بین کشورهای اتحادیه اروپا تنوع زیادی وجود دارد، از دسترسی فوری به بازار کار تا توانایی کار پس از سپری شدن مدت زمان معین. اکثر ایالت‌ها به پناهجویان اجازه می‌دهند پس از ۹ یا ۱۲ ماه کار کنند و تنها لیتوانی و ایرلند بر وضعیت رسمی پناهندگی قبل از کار اصرار دارند. علاوه بر این تاخیرهای طولانی است که ممکن است بین ورود به کشور و ارائه درخواست پناهندگی رخ دهد. جای تعجب نیست که شرایط شروع کار برای کسانی که وضعیت پناهندگی دارند ضعیف است. اینها عواقب بلندمدتی بر عملکرد آنها در کشور میزبان، بلکه بر توانایی آنها برای حمایت از خانواده در جای دیگر و در صورت امکان برای رفتن به خانه یا بازگشت به خانه دارد.

در مواجهه با هجوم گسترده پناهجویان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶، برخی از ایالت‌ها از دسترسی پناهجویان کشورهای «ایمن» به کار و تحصیل جلوگیری کردند. بحث این بود که بدون شانس واقعی برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان پناهنده، داشتن چنین دسترسی منطقی نخواهد بود. این موقعیت مشکوک است، زیرا حتی اگر فرد شناخته نشود و در نهایت مجبور به ترک کشور شود، توانایی تامین مالی خود و کسب کار و تحصیل باعث افزایش پذیرش وی در بین جمعیت بومی می‌شود و می‌تواند به عنوان سرمایه‌گذاری برای توسعه تلقی شود. به طور کلی، شناسایی اولیه پناهجویان و فراهم کردن دسترسی مناسب به سیستم آموزشی و بازار کار هم به نفع سیاست‌های مهاجرت و هم به نفع سیاست‌های توسعه است.

یک ابزار قدرتمند برای تقویت ایجاد و تثبیت دیاسپوراهای یکپارچه، پذیرش تابعیت دوگانه است. این امر مهاجران را قادر می‌سازد تا با موفقیت بیشتری در کشورهای پذیرنده مشارکت کنند و در نتیجه مشاغل با دستمزد بهتر و اشتغال تمام‌وقت بیشتر، در نتیجه پایه‌های اقتصادی برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مبدأ و برای آنها ایجاد می‌شود. تابعیت دوگانه اغلب با ترس از وفاداری محدود به کشور پذیرنده همراه است. با این حال، این باید با واقعیت خلاف واقع مقایسه شود که این مهاجران پاسپورت کشور مبدأ خود را نگه می‌دارند و در مناطق قومی باقی می‌مانند یا فقط یک دیاسپورای جدا شده باقی می‌مانند. تابعیت دوگانه همچنین می‌تواند بازگشت یا مهاجرت مجدد را تشویق کند، زیرا پاسپورت کشور توسعه یافته میزبان تضمینی برای چنین تصمیم خطرناکی است. کشورهای در حال توسعه برای مدت طولانی به مزیت حفظ روابط با دیاسپوراها پی برده‌اند، حتی اگر مهاجران تابعیت اصلی خود را رها کرده باشند آنها به اعضای دیاسپورا اجازه می‌دهند بدون ویزا (هند) وارد کشور شوند، به آنها اجازه می‌دهند بیشتر حقوق و امتیازات یک شهروند (اتیوپی) را حفظ کنند و به آنها اجازه می‌دهند در سیستم تامین اجتماعی (فیلیپین) موقعیت خود را حفظ کنند.

در نتیجه تنش های مربوط به مهاجرت را کاهش می دهند. بخش قابل توجهی از مهاجران امروز فردا به کشورهای در حال توسعه مهاجرت می کنند و تحصیلات، تجربه، سرمایه مالی و نوآوری ها را با خود به خانه می برند. مهاجرت برگشتی، چه موقت و چه دائم، می تواند با تابعیت دوگانه و قراردادهای مهاجرت دایره ای تقویت شود.

در درازمدت، یک جهان شکوفا و در حال توسعه به نفع مشترک و همچنین منافع ملی است. بنابراین انگیزه سیاست های توسعه و مهاجرت نه تنها نوع دوستانه است. با این وجود، برای اینکه این سیاست ها از حمایت عمومی گسترده برخوردار شوند، به تلاش خاصی نیاز است. جمعیت کشورهای پذیرنده تمایل دارند تا اندازه جمعیت مهاجر را بیش از حد تخمین بزنند و ارزش های اقتصادی دیاسپوراها را درک کنند. یک برنامه اطلاع رسانی خوب طراحی شده در مورد پتانسیل های مهاجرت به عنوان یک ابزار قدرتمند برای توسعه از طریق رسانه های چاپی و اجتماعی، ترکیبی از حقایق، تجزیه و تحلیل و تکنیک های ارتباطی برای مبارزه با برداشت های نادرست مورد نیاز است. همانطور که سیرمولیانی نشان داده اند، چنین رویکردی دارای پتانسیل است، و همچنین می تواند از حجم فزاینده ای از ادبیات تحقیق در زمینه نگرش های منفی علیه مهاجران استفاده کند که معمولاً مبتنی بر درک نادرست از مزایای اقتصادی مهاجرت است.

References

1. Constant, AF. (2020). Time-space dynamics of return and circular migration. *Handbook of Labor, Human Resources and Population Economics*, Pp1-40.
2. Laguinday, M. (2020). African diaspora to Finland: Barriers to labor market integration.
3. Selod, H., & Shilpi, F. (2021). Rural-urban migration in developing countries: Lessons from the literature. *Regional Science and Urban Economics*, 91, 103713.
4. Ndomo, Q., & Lillie, N. (2022). Resistance is useless!(and so are resilience and reworking): migrants in the Finnish labour market. in *Immigrant and Asylum Seekers Labour Market Integration upon Arrival: NowHereLand*, Springer, Cham, 161-184.
5. Radonjić, O., & Bobić, M. (2021). Brain drain losses—a case study of Serbia. *International Migration*, 59(1), 5-20.
6. Weinar, A., Klekowski von Koppenfels, A., Weinar, A., & Klekowski

ممکن است چنین روابط موقتی را تسهیل کند. نگه داشتن دانشجویان خارجی موفق در بازار کار کشور میزبان احتمالاً موثرترین سیاست مهاجرت نیروی کار طولانی مدت است. بازار کار به عنوان فیلتر کوتاه مدت و سازمان دهنده مهاجرت دایره ای، و جذب مهاجران دائمی، به ویژه دانشجویان سابق، می تواند عناصر قوی یک سیاست مهاجرتی باشد که دیاسپورا و مهاجرت بازگشتی را ایجاد می کند.

نتیجه گیری

بانک جهانی در تحلیل اخیر پیوند مهاجرت و توسعه خلاصه کرد: «تخصیص کارآمد نیروی کار یکی از حیاتی ترین مسیرها را برای توسعه فراهم می کند. بسیاری از کشورها فقیر می مانند و از نابرابری رنج می برند زیرا نیروی کار آنها در مکان ها، مشاغل و بخش های کم بهره وری گیر افتاده است. مهاجرت بیکاری و بیکاری را کاهش می دهد و دسترسی به مشاغل پربازده و پردرآمد را ایجاد می کند. به طور خلاصه، مهاجرت ابزار قدرتمندی برای توسعه است. ایجاد مشاغل بهتر، مولدتر و با دستمزد بالاتر - صرف نظر از اینکه این مشاغل کجا هستند و کارگران با مهارت بالا یا کم مهارت هستند - برای توسعه مهم است. این ایده باید نقشی کلی در بحث سیاست مهاجرت، به ویژه برای کشورهای اعزام کننده با درآمد کم و متوسط داشته باشد.» ارزیابی بانک جهانی در اینجا با پیام این مقاله مطابقت دارد. مهاجرت و توسعه مکمل هستند و نه جایگزین. هر چه بیشتر فرآیندهای پویای زیربنایی توسط دولت ها مانع شود، هزینه آن برای رفاه ملت ها و مردم آنها بیشتر است. مهاجرت این پتانسیل را دارد که تجارت، وجوه ارسال، نوآوری ها و سرمایه گذاری در کشور مبدا را تقویت کند. این تأثیرات احتمالاً قوی ترین و مهاجران خارجی در کشورهای پذیرنده بیشترین تأثیر را دارند. این بدان معناست که مهاجران نه از نظر فرهنگی جذب می شوند و نه جدا می شوند، بلکه به عنوان یک گروه در بازارهای کار، در بخش مالی و در جامعه کشورهای پذیرنده نقش قابل احترامی دارند. دیاسپوراها با کشورهای مبدأ خود در تعامل هستند، می توانند با پیوندهای دیاسپورا انگیزه داشته باشند و به خانواده های به جا مانده اهمیت دهند. مهاجران نیز اغلب در مقطعی یا برای مدتی با تجربه به خانه باز می گردند. بنابراین، دیاسپوراها فعال می توانند به عوامل پایدار توسعه منجر شوند. اما چالش هایی نیز از این امر ناشی می شود. تنش های قومی و رقابت های قومی می تواند سیاست ها را در کشورهای پذیرنده پیچیده تر کند، به ویژه اگر کشورهای مبدأ غیردموکراتیک باشند و از دیاسپورا به عنوان بازوی رادیکال منافع ملی استفاده کنند. در هر صورت، دیاسپوراها این پتانسیل را دارند که دولت های ملی سنتی را تضعیف کنند. تمرکز بیشترین مقاله درک اثرات توسعه بالقوه سیاست های مهاجرت در داخل کشورهای میزبان بوده است. یک جنبه مربوط به ایجاد یک دیاسپورای مولد است. اگر مهاجران، چه به عنوان کارگر و چه به عنوان پناهنده، زودتر و به خوبی در محیط کار و جامعه ادغام شوند، آنگاه دیاسپوراها مربوطه می توانند برای حمایت از روابط اقتصادی و سیاسی بین المللی با قدرت بیشتری عمل کنند. آنها همچنین به اقتصاد کشورهای پذیرنده کمک می کنند و

16. Weber, R., & Saarela, J. (2019). Circular migration in a context of free mobility: Evidence from linked population register data from Finland and Sweden. *Population, Space and Place*, 25(4), e2230.
17. Redehegn, M. A., Sun, D., Eshete, A. M., & Gichuki, C. N. (2019). Development impacts of migration and remittances on migrant-sending communities: Evidence from Ethiopia. *PLoS One*, 14(2), e0210034.
18. Pan, Z., & Dong, W. (2020). Can money substitute adult children's absence? Measuring remittances' compensation effect on the health of rural migrants' left-behind elderly parents. *Journal of Rural Studies*, 79, 216-225.
19. Alleyne, D., & Solan, I. (2019). Leveraging the Caribbean diaspora for development: The role of network effects. *Diaspora Networks in International Business: Perspectives for Understanding and Managing Diaspora Business and Resources*, 55-77.
20. Mateos, P. (2020). Mexican-US asymmetrical diaspora policies in the age of return migration. *Migration Letters*, 17(1), 147-153.
21. Osaghae, O. G., & Cooney, T. M. (2020). Exploring the relationship between immigrant enclave theory and transnational diaspora entrepreneurial opportunity formation. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(10), 2086-2105.
22. Di Stasio, V., & Larsen, E. N. (2020). The racialized and gendered workplace: applying an intersectional lens to a field experiment on hiring discrimination in five European labor markets. *Social Psychology Quarterly*, 83(3), 229-250.
23. Dash, R. K. (2020). Impact of remittances on domestic investment: a panel study of six south Asian countries. *South Asia Economic Journal*, 21(1), 7-30.
24. Papademetriou, D. G., & Hooper, K. (2019). Competing approaches to selecting economic immigrants: Points-based vs. von Koppenfels, A. (2020). The state and the highly skilled immigrant. *Highly-skilled migration: between settlement and mobility: IMISCOE short reader*, 37-77.
7. Bansak, C., Simpson, N., & Zavadny, M. (2015). *The economics of immigration*. Routledge.
8. Fischer, P. A., Martin, R., & Straubhaar, T. (2021). Interdependencies between development and migration. In *International migration, immobility and development* (pp. 91-132). Routledge.
9. Kaczan, D. J., & Orgill-Meyer, J. (2020). The impact of climate change on migration: a synthesis of recent empirical insights. *Climatic Change*, 158(3-4), 281-300.
10. Plaza, S. (2013). Diaspora resources and policies. In *International handbook on the economics of migration* (pp. 505-529). Edward Elgar Publishing.
11. Yang, D. (2011). Migrant remittances. *Journal of Economic perspectives*, 25(3), 129-152.
12. Ji, G., Cheng, X., Kannaiah, D., & Shabbir, M. S. (2022). Does the global migration matter? The impact of top ten cities migration on native nationals income and employment levels. *International Migration*, 60(6), 111-128.
13. Peri, G. (2014). Do immigrant workers depress the wages of native workers?. *IZA world of Labor*.
14. Ojo, S. (2022). Placing Diaspora Policy at the Heart of Nigeria's Foreign Policy. *Africa's International Relations in a Globalising World: Perspectives on Nigerian Foreign Policy at Sixty and Beyond*, 167.
15. Latukha, M., Shagalkina, M., Mitskevich, E., & Strogetskaia, E. (2022). From brain drain to brain gain: the agenda for talent management in overcoming talent migration from emerging markets. *The International Journal of human resource management*, 33(11), 2226-2255.

demand-driven systems. Migration Policy
Institute.